

براده‌های الماس معنوی

نگاهی به گزیده‌ای از دعا‌های روزانه ماه رمضان مبتنی بر قرآن کریم

زکریا فصیحی^۱

چکیده

دعا یکی از ارکان ارتباط انسان با خداوند است که در تمام ادیان جایگاه ویژه‌ای دارد و به زمان و زبان و مکان خاصی هم مقید نیست؛ اما در بینش اسلامی برای اجابت شدن و تأثیرگذاری بهتر، به شرایطی مقید شده است. این شرایط، شامل نیت خالص، حالت تضرع و همراه با اضطراب و در مکان‌های خاص و متعلق دعا و کیفیت دعا کردن، می‌شود. یکی از این شرایط، زمان خاص دعاست و در روایات، ایام و لیالی ماه رمضان از بهترین اوقات شمرده شده است. از طرفی دعا‌های مأثوره از معصومین^(ع) حاوی نابترین خواسته‌های انسانی برای رفع نیازهای معنوی است که می‌تواند برای ارتقای مقام عبودیت و افزایش بصیرت و معرفت بسیار کارساز باشد. هدف این تحقیق برجسته‌سازی فرازهایی از دعای روزانه ماه رمضان و معرفی محتوای آن‌ها، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دعا‌های روزانه ماه رمضان، حاوی معارف بسیار ارزشمندی است که مأنوس بودن با آن‌ها، به ارتقای کیفیت زندگی معنوی انسان کمک می‌کند؛ زیرا دعا هم جنبه عبادی دارد، هم وسیله‌ای برای رشد معنوی و اصلاحات درونی عبد محسوب می‌شود و هم با فراهم کردن زمینه‌های آرامش و رضایت و امید، برای جنبه‌های مادی زندگی انسان مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: دعا، ماه رمضان، ارتباط با خدا، ماهیت دعا، فلسفه دعا، متعلق دعا

۱. دکتری جریان‌های کلامی معاصر، دانشکده علوم اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: zfs110110@gmail.com | اورکید: 0009-0007-8235-1259



مقدمه

دعا به عنوان یک عمل عبادی و ارتباط مستقیم با خداوند، برای تقرب جستن به او و ارتفاع مقام عبودیت، نشانه میزان معرفت و بصیرت معنوی انسان است؛ اما در منابع دینی، برای اهمیت دعا، روی متعلق آن و برای اجابت دعا، روی نیت دعاکننده و زمان و مکان دعا، برای تأثیرگذاری بیشتر آن تأکید شده است. ماه رمضان، که ماه نزول قرآن و فرصتی برای خودسازی است، فضای مناسب برای توجه به دعا و ارتباط با خداوند فراهم می‌آورد. در این میان دعاهای مأثور از معصومین^(ع) به خاطر معارف نابی که دارد، میراث بسیار ارزشمندی برای مسلمانان است. ماه رمضان برای فراهم کردن آرامش جان و دل خوش کردن به خوان رحمت الهی و امید بستن به ماورای این زندگی معمولی دنیا، یک فرصت استثنایی معنوی برای مؤمنین است.

خداوند چقدر حکیمانه، روان و اندیشه‌بندگانش را مهندسی می‌کند تا رضایت و امید و شادمانی معنوی هیچ وقت از دلشان گم نشود. برای همین «روزهداری» را سفارش کرد و «ماه رمضان» را گل سرسبد دنیای «زمان» معرفی کرد و به زبان پیامبرش انداخت که بگوید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ...» ای مردم! ماه خدا به شما آغوش گشوده است، همراه با برکت و رحمت و آمرزش؛ ماهی که نزد خدا برترین ماه‌ها و روزهایش برترین روزها، شب‌هایش برترین شب‌ها و ساعاتش برترین ساعات است. در این ماه به مهمانی خدا دعوت شده‌اید و از شایستگان کرامت الهی قرار داده شده‌اید. نَفْس‌هایتان در این ماه تسبیح، خوابتان عبادت، عملتان پذیرفته و دعایتان مستجاب است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱، ۲۹۵).

وقتی پیامبر اکرم^(ص)، بندگان خدا را خوب حریص و دل‌هایشان را غرق امید و طمع معنوی کرد، راه بهره‌برداری بهینه از این ماه را نیز پیش رویشان گذاشت تا بار بندگی خود را تکمیل کنند و با جام جان خود، سهم بیشتر از این اقیانوس بی‌کران بگیرند. لذا فرمود: «فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُوفِّقَكُمْ لَصِيَامِهِ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ؛ پس با نیت‌های راست و دل‌های پاک، از خدای خود بخواهید که برای روزه‌داری در این ماه و تلاوت کتابش، توفیق‌تان دهد؛ زیرا بدبخت



کسی است که در این ماه، از آمرزش الهی محروم بماند» (همان).

این دلداداری خداوند از بندگانش، سبب دلدادگی بندگانش به روزه و رمضان می‌شود. خواندن آیه آیه قرآن در این ماه چقدر دل‌خوشی برای بندگانش می‌آورد، دعاهای رمضان چقدر دنیای امید آنان را وسعت می‌بخشد، «یا رفیق من لا رفیق له» گفتن‌ها در دعای جوشن کبیر شب‌های قدر، دل‌بندگان را برای تداوم مسیر بندگی چقدر گرم و محکم می‌کند. دعاهای هر روز رمضان، چقدر روح بندگی را برای گرفتن خوی رمضان در کالبد انسان تزریق و تقویت می‌کند و بندگان خدا با سی روز تمرین مستمر، یاد می‌گیرند که با خداوند بودن، چه شوق معنوی و لذت بندگی ایجاد می‌کند. پس برای گرما و آرامش دل خود هم که شده، این رسم ارتباط با خداوند را همیشه باید پاس داشت و دعا خواند و با خداوند تکلم کرد. «براده‌های الماس معنوی»، تحلیل فرازهای گزیده از همین دعاهای هر روز ماه رمضان است که با مطالعه موردی، در چند موضوع شاخص، دسته‌بندی و با هدف گسترش معنویت از طریق شرح مفاهیم این دعاها، تحلیل و توصیف شده است.

۱. ادبیات تحقیق

۱-۱. ماهیت لغوی و اصطلاحی دعا

دعا در زبان عربی معانی گوناگون و به همان میزان مصادیق گوناگونی دارد. صدا زدن، تمایل به سوی مدعو، کمک خواستن از مدعو (مهیار، ۱۳۸۹: ۳۹۱) از معانی لغوی دعاست. این صدا زدن اگر «بلند و بدون نام مدعو باشد، ندا و اگر آرام تر و با نام مدعو باشد، دعاست» (خسروی حسینی، ۱۳۷۵: ۱، ۶۷۷-۶۷۶). دعا در اصطلاح و مصداق خارجی آن که دعا کننده خاص، شرایط و لوازم خاص، اهداف خاص و از همه مهم‌تر مدعو خاص دارد، «به معنای توجه دادن نظر مدعو به سوی داعی است که غالباً با لفظ، یا اشاره [یا نجوا] صورت می‌گیرد. لذا این جهت در مفهوم دعا خوابیده که باید مدعو، صاحب توجه و نظری باشد که اگر بخواهد، بتواند نظر خود را متوجه داعی کند و نیز باید صاحب قدرت و تمکنی باشد که از استجابت دعا ناتوان و عاجز نگردد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱، ۴۳۴).

اگر آن داعی انسان و آن مدعو خداوند باشد، حقیقی بودن دعا در صورتی رقم می‌خورد



که از سر اخلاص و اضطرار باشد؛ اخلاص از نظر ارزشی بُعد معنوی و رابطه مستحکم عبد و معبود و اینجا داعی و مدعو را تأمین می‌کند و اضطرار در فراهم کردن مستجاب شدن دعا، ضروری است. از این رو «تا انسان از علایق مادی قطع امید نکند و خدا را با اخلاص نخواند، خدا را نخوانده است، بلکه در حین دعوت به جاهای دیگر نیز تکیه کرده است... در آیه شریفه اَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ، (نمل: ۶۲) مراد از اضطرار آن است که راه علاج را از هر سو بسته ببیند. هر چند انسان باید پس از دعا و در حین آن تلاش کند و در پی وسیله باشد تا خدا مقصودش را برآورد» (قرشی، ۱۳۷۱: ۲، ۳۴۶).

۱-۲. ماهیت معنوی دعا

دعا در ادبیات دینی به هر نوع صحبت و ارتباطی که انسان با خدا دارد، اطلاق می‌شود که از تمجید و ستایش خداوند تا التماس و طلب رحمت و آمرزش و کمک خواستن از او را شامل می‌شود. این ارتباط هر چند از سر ایمان و گاهی از سر شوق عرفانی یا التذاذ روحانی و معنوی است؛ اما به نوعی اعتراف به قدرت و حکمت الهی و نیاز انسان به کمک و راهنمایی از جانب خداوند نیز است. لذا دعا از یک سو به عنوان یک عمل عبادی، موقعیت ویژه‌ای در زندگی معنوی انسان مؤمن دارد و از سوی دیگر به انسان‌ها کمک می‌کند که ارتباط عمیق‌تری با خداوند برقرار کنند و این امر از نظر روانی، برای کسب آرامش و امید به زندگی و خوش‌بین بودن به آینده معنوی، در زندگی انسان بسیار مؤثر است.

در اهمیت دعا و رفعت مقام آن گفته‌اند: «فرق قرآن و دعا این است که به موجب (من اراد ان يتكلم الله معه فليقرء القرآن)، قرآن سخن گفتن خدا با بنده و دعا سخن گفتن بنده با خدایش است» (بلاغی، ۱۳۸۶: ۱، ۵۶). نام دیگر دعا در قاموس عرفان و سلوک، قرآن صامت است که گفته شده «إِنَّ الدُّعَاءَ قُرْآنٌ صَاعِدٌ... كما أنَّه قد انطوى فى القرآن النازل؛ دعا قرآن بالا رونده به سمت ملکوت است، چنانکه محتوای آن برگرفته از قرآن نازل شده از سوی خداوند است» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲، ۲۷).

فلسفه اصلی دعا، اظهار بندگی در پیشگاه خداوند و شنیده شدن آن است. این شنیده شدن دعا، ضامن پذیرش بندگی انسان است؛ اما برای انسان مؤمن روشن است که دعا برای مستجاب شدن، باید ناب و خالص و خاص و از هر نقص و عیبی بری و دارای



شرایط ویژه باشد. «چنین دعای نابی، قرآن صاعد خواهد بود؛ زیرا هرچه طیب است، صلاحیت صعود به‌سوی او را دارد که خود قرآن فرمود: **إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ**» (فاطر: ۱۰) (جوادی آملی، بی‌تا: ۳، ۴۸). نمونه بارز چنین دعایی، دعای عرفه حضرت امام حسین^(ع) است (ر.ک. جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱-۱: ۹۱). دیگر دعا‌های مأثوره نیز از نظر محتوایی، چنین خاصیتی دارد که میراث ماندگار معصومین^(ع) برای مکتب با افتخار اهل بیت^(ع) است.

۲. دعای حقیقی

حقیقت دعا یا دعای حقیقی یک امر انتزاعی یا یک مفهوم وصفی است؛ اما تحقق آن در خارج، به نحوه دعای دعا کننده بستگی دارد؛ یعنی این دعا کننده است که می‌تواند دعای حقیقی داشته باشد یا دعای تصنعی و در حد گفتار برخاسته از زبان در قالب کلمات خاص. دعای حقیقی به نوعی ارتباط با خداوند است که از اعماق دل و فطرت انسان برمی‌خیزد و زبان قلب و فطرت انسانی پیش از زبان جسمی به حرکت درمی‌آید و خواسته‌ها به‌صورت صادقانه و بدون هیچ‌گونه تظاهر و فریبی از درون فرد ظهور می‌کند. این نوع دعا از نیت خالص، باور عمیق و ارتباط روحی مستحکم فرد با قدرتی بزرگ‌تر سرچشمه می‌گیرد و با این اوصاف ظرفیت و استحقاق اجابت می‌یابد. «خدای تعالی در قرآن وعده **أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ** خود را به قید **إِذَا دَعَانِ**، (بقره: ۱۸۶) مقید کرده و چون این قید چیزی زائد بر مقید نیست، می‌فهماند که دعا باید حقیقتاً دعا باشد... و داعی حقیقتاً دعا کند، علم غریزی و فطری‌اش منشأ خواسته‌اش و قلبش با زبانش موافق باشد؛ زیرا دعای حقیقی، آن دعایی است که قبل از زبان سر، زبان قلب و فطرت که دروغ در کارش نیست، آن را بخواهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲، ۴۵-۴۶). دعای حقیقی تنها با زبان نیست، بلکه با قلب و با تمام وجود انسان است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۲، ۶۸).

۳. فلسفه دعا؛ خلق زندگی معنوی

فلسفه اصلی دعا همان اظهار بندگی و اعتراف به توانایی و اراده و حکمت خداوند است. انسان با دعا، اعتراف می‌کند که در مقابل مشکلات و نیازهای خود، نمی‌تواند به تنهایی



اقدام و استقامت کند. لذا با نگاه معنوی و از مسیر عبودیت و دعا، از قدرت و رحمت خداوند مدد می‌گیرد. بر این اساس دعا یک وسیله ارتباط نزدیک‌تر با خداوند تلقی می‌شود. این ارتباط از طریق بیان حالات روحی، خواسته‌ها، احساسات و نیازهای انسان به خداوند برقرار می‌شود. لذا می‌شود یکی دیگر از زوایای فلسفه دعا را، تقویت ارتباط با خداوند و تقرب به او دانست. هم‌چنین دعا می‌تواند تأثیر معنادار و ماندگاری بر روان و روح انسان داشته باشد؛ زیرا این عمل، به انسان امید و انرژی می‌دهد و او را از احساس تنهایی و ناامیدی می‌رهاند و احساس حضور خدا در زندگی او و زندگی در محضر خدا را به او القا می‌کند.

رکود روحی یکی از آفت‌های مهم زندگی معنوی است، چنانکه در ادبیات دینی در بیانی از امام جعفر صادق^(ع) آمده است: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَغْبُونٌ؛ هر کس دو روزش مساوی باشد و ترقی معنوی نداشته باشد، زیان دیده محسوب می‌شود» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶۶۸). لذا می‌توان گفت که یکی دیگر از زوایای فلسفه دعا، ساز و کار مؤثر بودن برای تغییر درونی انسان است؛ زیرا دعا به‌عنوان یک فرآیند درونی، می‌تواند وسیله تغییرات روحی و روانی و حتی جهت‌دهی احساس و سلاقی و علایق در انسان شود. این فرآیند به افراد کمک می‌کند تا با تمرکز بر اراده و مهارت‌های شخصی خود، راه‌های بهبود زندگی معنوی خود ایجاد یا پیدا کنند.

قلب و روح از طریق دعا پیوند نزدیک با خدا پیدا می‌کند؛ زیرا دعا یک نوع خودآگاهی و بیداری دل و اندیشه و پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی‌هاست. لذا در سخنان حضرت امام علی^(ع) می‌خوانیم: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ؛ خداوند دعای غافل‌دلان را مستجاب نمی‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۴۷۳). اگر شرایط خاص دعا در نظر گرفته شود، این حقیقت به وضوح ثابت می‌شود که دعا وسیله مؤثری برای خودسازی عبد است. شناخت کسی که انسان او را می‌خواند، شستشوی قلب و آماده کردن روح برای تقاضا از او است (ر.ک. مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۱، ۶۴۲-۶۴۳).

آدمی همانند آهن زنگ می‌زند و نیاز به صیقل دارد تا درخشانده شود. دعا همان صیقل است که نفس انسانی را تابناک می‌کند؛ زیرا انسانی که دست به دعا برمی‌دارد، احساس



می‌کند که در وجود او نقصی است. دعا انسان را به مواضع و نقاط ضعفی که در وجود او است، آگاه می‌سازد و او را به جبران آن‌ها وامی‌دارد. دعا برای اصلاح خود و علاج درد خودپسندی و خودخواهی است. کسانی که به سبب عدم تضرعشان در برابر خدا و خضوع در برابر عظمت او به سوی تجاوز به دیگران گرایش می‌یابند و به جای اصلاح خود به آزار دیگران می‌پردازند، می‌خواهند نواقص وجودی خود را از طریق ظلم به دیگران و غصب حقوق آنان جبران کنند یا می‌خواهند با ستم کردن در حق دیگران، نقایص ذات خویش را احساس نمایند (ر.ک. گروه مترجمان، ۱۳۷۷: ۳، ۲۹۲). از نظر قرآن کریم، دعا معراج مؤمن و وسیله توجه خدا به او است. «قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ بگو اگر دعای شما نمی‌بود، پروردگار من به شما نمی‌پرداخت» (فرقان: ۷۷). لذا انسان مؤمن در کنار کردار و کوشش، به دعا نیز اهتمام دارد (گروه مترجمان، ۱۳۷۷: ۸، ۴۹۱-۴۹۲). تا ارتباط وجود ضعیف و نیازمند خود را با خدای لایزال بی‌نیاز برقرار کند و راه کمال و معرفت و معنویت را بیابد و با این ارتباط، رحمت و عنایت پروردگار خود را به سوی خود جلب کند. بر این اساس این دعای انسان است که خود را در مقام عبودیت پروردگار قرار دهد. به همین جهت عبادت در حقیقت دعاست؛ زیرا بنده در حال عبادت، خود را در مقام مملوکیت و اتصال به مولای خویش قرار می‌دهد و اعلام تبعیت و اقرار به ذلت می‌کند تا خدا را با مقام مولویت و ربوبیتش به خود معطوف سازد، دعا هم عیناً همین است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰، ۵۳-۵۴).

۴. پیامد تجربی دعا در زندگی بشر

نیایش یا گفتگو با یک منبع فراعلی و لاهوتی و بسیار قدرتمند و بسیار مهربان، برای انسان آرامش می‌آورد. علت پدید آمدن این آرامش هم این است که به وسیله دعا، در فعالیت‌های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاهی روح قهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند. نیایش خصائل خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می‌دهد. صفای نگاه، متانت رفتار، انبساط و شادی درونی، چهره پر از یقین، استعداد هدایت، و نیز استقبال از حوادث، پیامدهای تجربی دعاست. این‌هاست که از وجود یک گنجینه پنهان



در عمق روح عبد حکایت دارد و او را شایسته توجه و شایستگی بیشتری برای درک فیض خداوند می‌گرداند. بدیهی است که کوشش برای تکامل و کسب شایستگی بیشتر، عین تسلیم در برابر قوانین آفرینش است. از نظر معنوی هم مواهب الهی بر حسب استعدادها و لیاقت‌ها تقسیم می‌شود. هر قدر استعداد وجودی و شایستگی روحی بشر بیشتر باشد، سهم بیشتری از آن مواهب نصیبش می‌گردد. امروزه علم روان‌پزشکی همان چیزهایی را تعلیم می‌دهد که پیامبران تعلیم می‌دادند. پزشکان روان‌شناسی دریافته‌اند که دعا و نماز و داشتن ایمان محکم به دین، نگرانی و تشویش و هیجان و ترس را که موجب بخشی از ناراحتی‌های ماست، برطرف می‌سازد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۱، ۶۴۰-۶۴۲). بر اساس تجربیات انسانی، حال ناشی از این انبساط روحی، حتی در سلامتی جسمانی هم مؤثر است.

۵. متعلق دعا

متعلق دعا، به موضوع یا چیزی اطلاق می‌شود که انسان از خداوند طلب می‌کند. لذا ارزشمندی دعا از یک نگاه همان ارتباط با مدعو متعال است، ولی از نگاه دیگر می‌تواند به ارزشمندی متعلقش بستگی داشته باشد؛ یعنی هر چه خواسته‌ها و درخواست‌ها والا باشد، دعا از جایگاه والاتری برخوردار خواهد بود. مثلاً در سیره معصومین^(ع) دعا در حق دیگران، یک ارزش افزوده به اصل دعاست. بنابراین بر اساس بینش دینی، می‌توان همه نیازمندی‌های مادی و معنوی خود را به شرط رعایت یک شروط، از خداوند خواست که از نظر شرعی حلال و مجاز بودن و از نظر کلامی امکان وقوع آن چیز، از جمله آن شروط است. چنانکه خداوند دعا کردن و درخواستن را به صورت مطلق سفارش کرده است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶).

اما از نظر معرفتی می‌توان امور ارزشمندی از خداوند خواست. برخی از این امور قرآن بازتاب یافته که عبارت است از طلب تداوم در راه راست، «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، (فاتحه: ۶) طلب بینش و علم و معرفت، «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴)، طلب توان استقامت در مسیر هدایت «رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا» (آل عمران: ۸) و....



۶. معرفی دعا‌های روزانه ماه رمضان از منابع کهن روایی

دعا‌های روزهای ماه رمضان در کتاب‌های البلد الامین (کفعمی، ۱۴۱۸: ۲۱۹-۲۲۲) و المصباح کفعمی (کفعمی، ۱۴۰۵: ۶۱۲-۶۱۷) از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است. در بعد معنوی این دعا، طلب رحمت، مغفرت، هدایت و اصلاح و تقرب به خداوند، امان از پیامد گناهان و امان از خشم خداوند و عذاب آخرت، توفیق بندگی و شکرگزاری، طلب آگاهی و بیداری معنوی و در بعد اجتماعی و تعامل با دیگران، طلب توفیق احسان به دیگران و هم‌نشینی با خوبان، از پربسامدترین خواست‌های بندگان خدا در این دعاهاست. در ادامه فرازهایی از این دعاها بر محور موضوعات خاص و با استفاده از منابع و آدرس‌هایی یاد شده، بررسی می‌کنیم.

۷. فرازهای گزیده از محتوای دعای روزانه ماه رمضان

این دعاها حاوی نکات بسیار ارزشمند ارزشی و معرفتی است؛ اما به فراخور این نوشتار، فرازهایی برگزیده این دعا ارزشمند بررسی خواهد شد:

۷-۱. طلب آگاهی و بیداری

یکی از سرمایه‌های معنوی انسان، علم و آگاهی است و طلب آن از خداوند، یکی از سفارش‌های قرآن کریم نیز است. «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴)

در این دعاها آگاهی معنوی و بیداری از خواب غفلت منظور است. غفلت یکی از مفاهیم مهم منفی در زندگی انسان‌هاست که به معنای عدم توجه یا عدم آگاهی از امور مهم یا عدم آگاهی نسبت به مسئولیت و وظایف، به کار می‌رود. از رو اهل لغت گفته اند: «مردی که غافل است، نمی‌داند چه چیزی دارد و موقعیت و جایگاه او مشخص نیست یا شرایط و وضعیت اطراف خود را درک نمی‌تواند» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴، ۴۲۰) تا به مقتضای آن، برای زندگی مادی و معنوی خود تصمیم بگیرد.

غفلت معمولاً به‌عنوان یک وضعیت ناخودآگاه توصیف می‌شود که می‌تواند منجر به اتفاقات ناخواسته و مشکلاتی در زندگی فرد شود. این خصیصه انسانی ممکن است منشأ یا دلایل فراوانی داشته باشد، از جمله می‌توان به استرس، نگرانی‌ها، خستگی، عادت‌های



نامناسب یا حتی عدم تمرکز و علاقه به زندگی یا عدم علاقه و دل‌بستگی به اموری که مورد غفلت واقع می‌شود، اشاره کرد. غفلت می‌تواند در هر زمینه‌ای از زندگی مانند شغلی، تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی رخ دهد و اثرات مخرب زیادی داشته باشد. وقتی این مفهوم را با نگاه اخلاقی و معنوی بنگریم و متعلق آن را نیز معنوی و اخلاقی در نظر بگیریم، ماهیت و متعلق آن را در قرآن و منابع روایی و اخلاقی _ عرفانی باید جستجو کرد. در این صورت غفلت هرگونه بی‌خبری از شرایط زمانی و مکانی، از واقعیت‌های فعلی و آینده و گذشته انسان، از صفات و اعمال او، از پیام‌ها و آیات الهی و از هشدارهایی که نسبت به حوادث تلخ و شیرین زندگی به انسان‌ها می‌دهد را شامل می‌شود.

نتیجه اولیه غفلت از واقعیت‌ها، عدم موضع‌گیری صحیح در برابر آن‌ها و طبیعتاً آسیب‌پذیری فراوان در مواجهه با آن‌هاست؛ اما نتایج و پیامدهای نهایی غفلت، عدم رسیدن به کمال و سعادت است. «غفلت در اصطلاح اخلاقی به معنای سستی و ضعف نفس از توجه به هدف خود و در اصطلاح عرفانی به معنای اعراض از حق تعالی است. امام خمینی نیز غفلت قلب در عبادت را ناشی از ضعف ایمان به خداوند و اهمیت ندادن به عبادت و حضور در مقابل معبود می‌داند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۲۴). ایشان آرزوهای بلند و ظن به بقا را سبب غفلت از آخرت و فراموشی هدف و مقصد می‌داند. به نظر ایشان این امر سبب افزایش حجاب‌ها بر انسان می‌شود تا جایی که نور فطرت انسان خاموش شود و از محبت الهی در قلبش چیزی باقی نماند. اگر انسان به سبب حب نفس از عیوب خود غفلت ورزد و خودخواه شود، به سعادت و فلاح نخواهد رسید (ر.ک. همان: ۵۲). از این رو، غفلت به عنوان صفت انسانی و غافل به عنوان وصف فاعلی، در قرآن بسیار مذمت شده و انسان غافل به درجات نازل‌تر از چهارپایان تنزل داده شده است. «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آن‌ها دل‌ها (عقل‌ها) یی دارند که که با آن (اندیشه نمی‌کنند و) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آن‌ها همچون چهارپایند، بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند؛ [زیرا با داشتن همه گونه امکانات هدایت،



باز هم گمراهند]» (اعراف: ۱۷۹).

با توجه به این جنبه‌ها و پیامدهای منفی غفلت و زیان‌های جبران‌ناپذیر معنوی آن، نجات از آن یکی از خواسته‌های روزه‌داران است؛ زیرا عبادت حتی در ظرف زمانی ماه رمضان، اگر از روی آگاهی نباشد، ارزشی ندارد. به فرموده حضرت امیرالمؤمنین^(ع): «كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْظَّمَا؛ چه بسا روزه‌دارانی که روزه‌شان تشنگی و گرسنگی کشیدنی بیش نیست؛ (نهج البلاغه، ح ۱۴۵) زیرا یا از روی آگاهی و شوق عبادی نیست یا دیگر شرایط روزه را ندارد.

دعای روزهای ماه رمضان حاوی خواسته‌های بسیار ارزشمند مادی و معنوی است. از جمله «طلب آگاهی و بیداری» که یک خواسته اساسی معرفتی است؛ زیرا نماز و دعا و نیایش، در پرتو آگاهی و بیداری معنوی ارزشمند است. در فرازی از دعای روز اول می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... تَبَهِّئْنِي فِيهِ عَنْ نَوْمَةِ الْغَافِلِينَ؛ خداوندا مرا در این ماه از خواب غافلان بیدارم کن». در دعای روز سوم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الذِّهْنَ وَالتَّنْبِيَةَ وَبَاعِدْنِي فِيهِ مِنَ السَّفَاهَةِ وَالتَّمَوُّيَةِ؛ خدایا در این ماه به من تیزهوشی و بیداری عنایت کن و از بی‌خردی و اشتباه دورم ساز». در دعای روز هجدهم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ تَبَهِّئْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنُورِ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ؛ خدایا مرا در این ماه به برکت‌های سحرهایش آگاه کن و دلم را با روشنایی نورهایش روشنی ببخش».

چنانکه قابل ملاحظه است، آگاهی، بیداری، خردورزی، روشندلی که از مفاهیم بسیار ارزشمند برای زندگی بشر است، در این چند فراز پررنگ است که اهمیت این مفاهیم و مصادیق آن‌ها را نشان می‌دهد.

۷-۲. طلب بخشش گناهان

یکی از ارتباطات بسیار عاطفی و معنوی انسان با خدا، وقتی شکل می‌گیرد که انسان برای عذرخواهی از اشتباهی که کرده، به درگاه خداوند بخشنده و مهربان مراجعه می‌کند. این مراجعه البته باز دستور و راهنمایی خداوند است: «وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا؛ و از خداوند، طلب آمرزش نما! که خداوند، آمرزنده و مهربان است» (نساء: ۱۰۶).

گناه معمولاً به دلیل غفلت از جایگاه بندگی یا غفلت از اینکه خدای دانا و بصیر، در



همه حال بنده‌اش را رصد می‌کند، صورت می‌گیرد. حالت توبه یا روحیه بازگشت، وقتی در انسان احیا می‌شود که انسان از خواب غفلت بیدار شده و به بنده بودن خود پی می‌برد. در این صورت است که شرمندگی از عصیان و مخالفت پروردگار، جای شوق گناه را در وجدان انسان پر می‌کند و او در پرتو این آگاهی و تنبّه، راه چاره را در بازگشت به درگاه خداوند می‌داند. هرچند مقام پیشمانی از گناه، برای عبد، مقام ارزشمندی است؛ اما لذت این بازگشت وقتی چند برابر می‌شود که نیروی ایمان و معرفت و بیداری، این عبد خطاکار را به استغفار و طلب بخشش از خداوند وادار می‌کند و البته نوع دعا و ایمان به بخشندگی خداوند، در این راستا بسیار کارساز است.

بر این اساس پیامبر اکرم (ص) به امتش یاد داده که وقتی رمضان به سراغتان آمد و چون استجابت دعا در آن تضمین شده، طلب عفو و آمرزش در دعایتان یادتان باشد. لذا در فرازی از دعای روز اول می‌فرماید: «وَاعْفُ عَنِّي يَا عَافِيَا عَنِ الْمُجْرِمِينَ؛ و از من و تقصیرات من درگذر ای که از تقصیرات مجرمین می‌گذری». این فراز، جدا از درخواست عفو، حاوی یک نکته معرفتی دیگر نیز است و آن اینکه عبد خطاکار، خدایش را به بنده‌پروری می‌شناسد. می‌داند که او بخشنده مجرمان است و این بنده‌اش را نیز ناامید نخواهد کرد. لذا با خطاب «يَا عَافِيَا عَنِ الْمُجْرِمِينَ»، از خداوند طلب بخشش و گذشت می‌کند.

در دعای روز بیست و سوم نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ... يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ؛ خداوندا در این ماه مرا از گناهان شستشو بده (یعنی گناهانم را ببخش) و از هر عیبی پاکم کن... ای پذیرنده عذر لغزش‌های گناهکاران». در دعای روز بیست و ششم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَ ذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا...؛ خداوندا تلاش بندگی‌ام را در این ماه پذیرا باش و گناهانم را ببخشای».

خداوند قبلاً به‌وسیله پیامبرش به تمام بندگان پیغام داده و این‌گونه سفارش کرده است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است» (زمر: ۵۳). این‌که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان و همه گناهان بندگان را



می‌بخشد، به گوش بندگان رسیده است. پس روزه‌داری که به نیت بندگی دهان به روزه‌داری بسته است و باز به نیت بندگی، لب به دعا و نیایش می‌گشاید، به غفارت و بخشندگی خداوند ایمان دارد و هرگز از او ناامید نمی‌شود.

لذا هر که هست و هر طور است، به امید بخشیده شدن، خود را به دریای رحمت الهی می‌سپارد تا از خبث و خبط و عصیان و بدی‌ها و عیوب شستشو شود. تعبیر «اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ»، بسیار دل‌نشین است؛ زیرا ما انسان‌ها همان‌قدر که از درک امور معنوی عاجز هستیم، امور مادی را خوب می‌فهمیم. مثلاً خاصیت آب را به بهترین وجه ممکن می‌فهمیم که پاک‌کننده است و هر چیزی را جز اشیای نجس العین، پاک می‌کند. لذا با این تشبیه دل‌نشین حضرت پیامبر، خوب می‌فهمیم که آب رحمت خدا، چگونه زشتی گناه را پاکیزه می‌کند و چگونه خدایی که «مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ» است، چگونه بنده گنه‌کاری را که درخواست عفو دارد، می‌بخشد.

۷-۳. طلب رضایت الهی

خداوند در قرآن کریم، بهشت را با نعمت‌های بی‌متناهی بسیار تعریف کرده است. این مقام و منزلگاه بسیار والا و دل‌انگیز با همه نعمت‌هایش، پاداش کسانی است که سزاوار ورود به بهشت هستند؛ اما خداوند وقتی در سوره مائده، پاداش بهشتیان را می‌شمارد، می‌فرماید: «لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می‌گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند؛ هم خداوند از آن‌ها خشنود است، و هم آن‌ها از خدا خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است» (مائده: ۱۱۹). همه این نعمت‌ها و پاداش‌ها یک‌طرف، ولی آنچه در انتهای آیه آمده، نشان می‌دهد که بالاترین پاداش بهشتیان، همان مورد اخیر است و آن «رضایت الهی است؛ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ». بندگان که به‌هرحال از خداوند راضی‌اند، مخصوصاً وقتی به بهشت رسیده‌اند؛ اما مهم این است که خداوند نیز از آنان راضی است.

بنابراین معلوم می‌شود که پیامبر اکرم^(ص) در دعای روزهای رمضان به امتش یاد داده که در درخواست‌ها و دعاهایشان، امور مهم و عالی را فراموش نکنند. لذا یاد داده که یکی از

خواسته‌هایتان در روز دوم رمضان این باشد: «اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ؛ خداوندا در این ماه مرا به رضایت نزدیک کن». به دلیل اهمیت کسب رضایت الهی، باز حضرت تکرار کرده؛ زیرا یکی از شرایط استجابت دعا، تکرار دعا همراه با الحاح و التماس است. لذا در دعای روز بیست و یکم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ ذَلِيلًا؛ خداوندا در این ماه، راهی و راهنمایی برای جلب رضایت برایم قرار بده». باز با استفاده از اصل تکرار، در دعای روز بیست دوم می‌خوانیم: «وَوَقِّعْنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ؛ خداوندا در این روز مرا به فراهم کردن اسباب جلب رضایت توفیق بده». باز در دعای روز بیست چهارم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يَرْضِيكَ؛ خداوندا در این روز چیزی از تو می‌خواهم که رضایت در آن باشد». حتی در آخرین روز ماه رمضان که دیگر سفره بابرکت این دعاها دل‌نشین و آرام‌بخش، برچیده می‌شود، باز پای طلب رضایت خداوند به‌علاوه رضایت پیامبرش در میان است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَ يَرْضَاهُ الرَّسُولُ...؛ خدایا روزه‌ام را در این ماه بر پایه آنچه تو و پیامبر آن را می‌پسندید و بر آن رضایت دارید، مورد سپاس و پذیرش قرار بده».

۷-۴. طلب چشیدن حلاوت ذکر خدا

ذکر چیزی، یعنی فراموش نکردن و سپس به زبان آوردن آن، (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۳: ۳۱۷) یا ذکر چیزی، به معنای حفظ یا به یاد سپاری آن برای به یاد می‌آوری و نیز به معنای به زبان آوردن یا جریان متعلق ذکر به زبان است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴: ۳۰۸). مراد از ذکر خدا، ذکر زبانی و قلبی است که متعلق آن، خداوند متعال باشد. ذکر به این معنا و با آن متعلق، یکی از سفارش‌های قرآن کریم است.^۱ ذکر خدا یا به یاد خدا بودن، یکی از ارزشمندترین حالات روحانی و معنوی است؛ زیرا «ذکر» قلب انسان را درگیر خودش می‌کند و قلب به مقتضای جایگاه و ارزشمندی متعلق ذکر، دیگر اعضا و جوارح را نیز درگیر خواهد کرد. بنابراین وقتی متعلق ذکر، خدا باشد، از یک طرف انسان غرق لذت معنوی است و از طرف دیگر، عصیانی از او سر نخواهد زد؛ زیرا دلش مشغول است و فرمان خلق مشغولیت خود

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح یگویند» (احزاب: ۴۱-۴۲).



به دیگر اعضا و جوارح را نمی‌دهد.

از آنجاکه با مادیات سر و کار داریم و معانی آن‌ها را تا حدودی خوب می‌فهمیم، امور معنوی در دعاهای مأثور معمولاً با تشبیهات دل‌نشین به مادیات یا از باب تشبیه معقولات به محسوسات، ارائه شده است. لذت چشیدن برخی از مادیات چشیدنی، از نظر سرعت در ادراک و میزان لذت در موقعیت خودش، شاید با بسیاری از لذات دیگر مادی قابل مقایسه نباشد. مثلاً لذت شیرینی یک شربت خنک در دل گرمای تابستان و در عمق تشنگی، حتی یادکردنش هم برای انسان ملموس و لذت‌بخش است. از این رو رسول خدا^(ص)، شیرینی و دلپذیری ذکر خدا و بندگی او را با مفهوم چشیدن یادآور شده است.

در دعای روز چهارم می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَ أَذِقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ...؛ خداوندا مرا در این ماه برای انجام دادن امر بندگی‌ات، نیرو و توانایی بده و حلاوت ذکرت را و شیرینی بندگی‌ات را به کام جانم بچشان». وقتی شیرینی بندگی خدا در کام جان انسان فراگیر شد، همه مصادیق بندگی برایش شیرین می‌شود. از خواندن دعا تا اقامه نماز و گرفتن روزه و پرداخت زکات و خمس تا دیگر کارهای فردی و اجتماعی که مورد رضایت خداوند است. لذا به همان اندازه که نماز و روزه برای انسان لذیذ می‌شود، دستگیری از مستمندان و اکرام و احسان والدین و دعای ابوحمزه و کمیل و... لذت‌بخش خواهد بود.

البته ممکن است در ماه رمضان به دلیل حال و هوای معنوی که بر روح و روان انسان سیطره دارد، دعا و نیایش و یاد خداوند برایش لذت‌بخش باشد، ولی شاید این حال و هوای خاص معنوی در دیگر زمان‌ها فروکش کند. با توجه به این نکته عاطفی معنوی، نکته بسیار ارزشمند دیگری در دعای روز هفتم نهفته است که همه‌جانبه‌نگری رسول خدا^(ص) را نسبت به حالات معنوی و شوق و احساس بندگی انسان‌ها را می‌رساند. آن نکته، طلب یاد مدام خدا یا احیای یاد خدا برای همیشه در دل و جان بندگان است. چنانکه در فرازی از دعای روز یاد شده و پس از خواسته‌ها متنوعی، می‌فرماید: وَ ارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ؛ ای راهنمای مهربان گمراهان، به لطف و توفیقت، در این ماه یاد همیشگی‌ات را روزی‌ام کن؛ یعنی جان و عقل و هوشم را چنان از «ذکر و بندگی‌ات»



سرشار کن که گرمایش هیچ‌وقت به سردی نگراید.

۷-۳. طلب اصلاح قلب برای پذیرش زیبایی‌ها یا اصلاح نگرش

همه رفتارها و حتی سبک زندگی انسان، از نوع نگاه او به زندگی یا از نوع جهان‌بینی او سرچشمه می‌گیرد. این یک اصلی است که در علم کلام و اخلاق و روانشناسی ثابت شده است؛ زیرا رفتار انسان از امیال یا قصدها یا نیت‌ها او ناشی می‌شود و قصد و میل و نیت، در حیطه جهان‌بینی او است. از رو قرآن کریم می‌فرماید: «كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا؛ هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند» (اسراء: ۸۴). برخی از مفاهیم و مصداق برخی از رفتارها، ذاتاً و وجدانا زیبا و محبوب است؛ اما برخی از ما آن زیبایی را نمی‌بینیم؛ زیرا چشمش را نداریم یا حجاب‌های مادی و معنوی آن قدر جلومان را می‌گیرد که نمی‌توانیم زیبایی‌ها بنگریم، از دیدن آن‌ها لذت ببریم و از پیاده کردن آن‌ها در زندگی خود لذت بیشتر ببریم. پیامبر اکرم (ص) با آن نگاه ژرف و بینش بی‌منتهاش، به این جنبه زندگی امتش نیز توجه داشته و یاد داده که آن را نیز از خدا بخواهیم. یک‌راهش این است که حالا که ماه رمضان آمده و اجابت دعا در آن تضمین شده است، از خدا بخواهیم که نگاهمان را عوض کند یا پرده‌ها را از پیش چشم دل ما کنار بزند تا حقایق معنوی را ببینیم و درک کنیم.

شاید می‌شد از خدا خواست که خودش مستقیم زیبایی‌های معنوی را برایمان قابل درک گرداند؛ اما طبق بینش رسول خدا (ص)، زیباتر و ارزشمندتر این است که خداوند حجاب‌ها را کنار بزند یا نگاه و بینشمان را اصلاح کند تا خودمان به کشف و تماشای آن زیبایی‌ها برویم و توان شناخت زشتی‌ها را پیدا کنیم. آنگاه با اختیار و شوق خود، زیبایی‌ها را انجام بدهیم و زشتی را ترک کنیم. این طوری عمل عبادی ما بر اساس انتباه و آگاهی و بصیرت صورت گرفته است و ارزشمندی خاص یافته است. لذا در دعای روز یازدهم فرمود: «اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ وَ كَرِّهِ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ...؛ خداوندا احسان و نیکی کردن را در این ماه برایم محبوب و فسق و سرکشی را برایم زشت و پلید گردان».

هیچ‌کدام از ما انسان‌ها در حالت طبیعی به آتش دست نمی‌زنیم؛ زیرا خاصیت سوزاندگی آن را به‌خوبی می‌فهمیم. این میزان درک و بینش را نسبت عصیان و فسق و گناه



نداریم که اگر می‌داشتیم قطعاً سراغ آن‌ها نمی‌رفتیم. پس باید از خدا خواست که معرفتمان را نسبت به پلیدی گناه زیاد کند تا قبح آن را درک کنیم و هیچ‌وقت مرتکب آن نشویم. چه احسانی بالاتر از بندگی و چه پلیدی و فسقی بدتر از معصیت خداوند و البته میزان پلیدی گناه و زیبایی احسان، وقتی در زندگی مان برای ترک و ارتکاب هرکدام، تأثیرگذار است که نسبت به هرکدام شناخت لازم را داشته باشیم. این شناخت لازم را می‌توان از خداوند خواست: «اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ وَكَرِّهِ إِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ».

۷-۶. طلب هم‌نشینی با خوبان

در اجتماع زیستن، اقتضای زندگی و نوع آفرینش انسان است. پس وقتی انسان ذاتاً از زندگی اجتماعی پرهیز نمی‌تواند، عقل و آگاهی و درایتش اقتضا می‌کند که توجه خاصی به هم‌نشینان خود داشته باشد؛ زیرا بر اساس تجارب انسانی، همراه و هم‌نشین و همسایه انسان، نقش مهمی در تعیین سبک زندگی انسان و نوع نگاه و تربیت او دارد. این آموزه حیاتی، در آیات قرآن و روایات معصومین و بیانات حکمای تاریخ بشر بسیار پررنگ است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند پروا داشته باشید و با صادقان همراه باشید» (توبه: ۱۱۹). صادقان مطلق کسانی هستند که صادق القول، صادق الوعد و صادق العهد و صادق العمل باشند. به دلیل همین اهمیت فوق‌العاده‌ای که هم‌نشینی برای انسان دارد، حضرت رسول اکرم (ص) نیز توجه خاصی به آن داشته است. چنانکه در دعای روز سیزدهم پس از درخواست اموری، می‌فرماید: «وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ بِعَوْنِكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ؛ خداوندا به یاری‌ات ای روشنی چشم محتاجان! در این ماه مرا به رعایت تقوا و هم‌نشینی با نیکان توفیق بده». همچنین در دعای روز هفتم می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَبْرَارِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ؛ خداوندا در این ماه مرا به مرافقت و هم‌نشینی با خوبان و دوری و رفاقت شریران، توفیق بده». ابرار از نظر قرآن کریم کسانی دارای صفات بسیار شایسته هستند. چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات خداوند» (بینه: ۷). در منابع تفسیری فریقین نقل شده است که مراد از این خوبان خلق خدا، امیرالمومنین (ع) و اهل بیت



آن حضرت^۱ یا ایشان دوستان و پیروانش هستند.^۲

۷-۷. طلب توفیق تلاوت قرآن

بندگان خدا، توفیق را فقط از ناحیه خدا به دست آمدنی می‌دانند. «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ؛ و توفیق من، جز به خدا نیست، بر او توکل کردم؛ و به سوی او بازمی‌گردم» (هود: ۸۸). تلاوت قرآن کریم در حدیثی از امام صادق(ع)، در کنار دیگر صفات ارزنده، یکی از علامات پیروان اهل بیت(ع) دانسته شده است.^۳ فضایل و آثار فراوان دیگری دنیوی و اخروی نیز برای خواندن قرآن در روایات آمده، از جمله تقویت و باروری ایمان، جلا و صفای دل، تخفیف و بخشیده شدن گناهان، هم‌نشینی با فرشتگان، پیمودن مراتب کمال و ترقی در بهشت، درمان بیماری‌های روحی، رفع غم و اندوه، افزایش روشنایی چشم، مونس تنهایی، برکت عمر، سبب استجاب دعا، صفا و نورانیت خانه، رفع عذاب از پدر و مادر و.... مثلاً از حضرت پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که در یک تشبیه دل‌نشین می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ. قِيلَ فَمَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ ذِكْرُ اللَّهِ وَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ؛ بدون شک این دل‌ها زنگار می‌گیرند و تاریک می‌شوند؛ چنان‌که آهن زنگ می‌زند. عرض شد: صیقل آن به چیست؟ فرمود: قرائت قرآن».(راوندی، ۱۴۰۷: ۲۳۷)

همچنین در حدیث دیگری فرمود: «إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السُّعَدَاءِ وَ مَوْتَ الشُّهَدَاءِ وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَ الظِّلَّ يَوْمَ الْحَرُورِ وَ الْهُدَى يَوْمَ الصَّلَاةِ، فَادْرُسُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حِرْزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ؛ اگر زندگی سعادت‌مندان، مرگ شهیدان، نجات روز حسرت (قیامت)، سایه روز سوزان و هدایت در روز گمراهی را می‌خواهید، قرآن را یاد بگیرید که سخن خدای مهربان و سپری در مقابل شیطان و سنگینی در ترازوی اعمال

۱. عن ابن عباس في قوله أولئك هم خير البرية قال نزلت في علي و اهل بيته عليهم السلام (طبرسي، ۱۳۷۷: ۴، ۵۲۱).

۲. عن يزيد بن شراحيل الأنصاري كاتب علي، قال: سمعت علياً يقول حدثني رسول الله ص و أنا مسنده إلى صديقي فقال: يا علي أما تسمع قول الله عز و جل: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أولئك هم خير البرية هم أنت و شيعتك، و موعدي و موعدهم الحوض، إذا اجتمعت الأمم للحساب تدعون غراء محجلين. عن ابن عباس قال لما نزلت هذه الآية: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أولئك هم خير البرية قال النبي ص لعل: هو أنت و شيعتك، تأتي أنت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضيين (حسكاني، ۱۴۱۱: ۲، ۴۶۱-۴۶۲).

۳. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «يَا جَابِرُ، أَ يَكْتَفِي مَنْ يَنْتَجِلُ النَّسِيعَ أَنْ يَقُولَ بِحُتْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَوَ اللَّهِ مَا شَبِعْتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَ أَطَاعَهُ، وَ مَا كَانُوا يَعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَّاضِعِ، وَ التَّخَشُّعِ، وَ الْأَمَانَةِ، وَ كَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ، وَ الصُّومِ، وَ الصَّلَاةِ، وَ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ، وَ التَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْغَارِمِينَ وَ الْإِيثَامِ، وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ، وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَ كَفِّ الْأَلْسَنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ، وَ كَانُوا أَمْنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ». (كليني، ۱۴۰۷: ۲، ۷۴)



است» (شعیری، بی تا: ۴۱).

و باز فرمود: «تَوَرَّوْا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ... فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كُثِرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ، وَ اتَّسَعَ أَهْلُهُ، وَ أَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا؛ خانه‌هایتان را با تلاوت قرآن روشن کنید؛ زیرا خانه‌ای که در آن قرآن زیاد خوانده شود، خیر آن فراوان گردد و به اهل آن وسعت داده شود و برای آسمانیان بدرخشد چنانکه ستارگان آسمان برای زمینیان می‌درخشند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۶۱۰).

انسان روزه‌دار با توجه به این همه فضیلت و برکتی که قرائت قرآن و انس با این مخزن و سرچشمه آرامش معنوی دارد، در یکی از روزهای ماه رمضان در کنار خواسته‌های بسیار ارزشمند دیگر، از خداوند توفیق می‌خواهد تا قرآن بخواند و در کنار این کتاب ارجمند، به آرامش و سکینه دل برسد. لذا به سفارش پیامبر رحمت و هدایت (ص)، در بیستمین روز رمضان این گونه دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ وَ اغْلِقْ عَنِّي فِيهِ أَبْوَابَ النَّارِ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ يَا مُنْزِلَ السَّكِينَةِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ؛ خدایا در این ماه درهای بهشت‌هایت را به رویم باز کن و درهای آتش دوزخ را به رویم ببند و به تلاوت قرآن موفقم بدار، ای فروفرستنده آرامش در دل مؤمنان». در بخشی از دعای روز دوم نیز همین خواسته را از خدا دارد: «وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ و به قرائت آیات موفقم کن، ای مهربان‌ترین مهربانان». بنابراین همان گونه که قرآن کریم به تلاوت خود سفارش می‌کند، «فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»، (مزمّل: ۲) بنده مؤمن نیز از خداوند درخواست توفیق برای اجرای این دستور قرآن دارد.

نتیجه‌گیری

دعا به هر نوع صحبت و ارتباط انسان با خدا، اطلاق می‌شود که از ذکر و حمد و ثنای خداوند تا التماس و طلب رحمت و آمرزش و کمک خواستن از او را شامل می‌شود. بارزترین اثر معنوی این ارتباط، آرامش و اطمینان قلبی است که برای بنده خدا حاصل می‌شود. عباد با اعتماد و ایمانی که به خداوند دارد، از این نوع ارتباط بهره‌برداری معنوی می‌کند؛ زیرا خداوند اجابت خودش را در دعای بندگانش قرار داده (غافر: ۶۰) و عباد،



هم نوع بندگی اش را در قالب دعا اظهار می‌کند و هم به حکمت و توانایی خداوند اعتراف می‌کند و از او کمک می‌خواهد.

ماه رمضان که ماه مهمانی خدا و خوان رحمتش پهن است، بهترین زمان دعا و ارتباط قلبی برقرار کردن با خداوند است و بهترین نوع دعا هم دعاهای مأثوره از معصومین^(ع)؛ زیرا هم حاوی معارف بسیار بلند است و هم ادب و مدل حرف زدن با خداوند در آن‌ها به بهترین نحو ممکن رعایت شده است. یک دسته از انواع دعاهای مأثوره، دعای روزهای ماه مبارک رمضان است که مهم‌ترین نیازهای حقیقی انسان در بعد هدایت و معنویت و جلب رحمت را با خود دارد. لذا می‌شود با بهره‌گیری از ایام با برکت رمضان و این دعاهای پرمحتوا، به خداوند تقرب جست و کسب معرفت و آرامش کرد و بار معنویت و بصیرت خود را بست. طلب هدایت و رحمت، طلب توفیق و همیشگی با خوبان و بسیاری دیگر از نیازهای حقیقی انسان، در دعای ایام رمضان وجود دارد که به فراخور این مختصر، بررسی و تبیین شد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: انتشارات کتابچی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا(ع)*، تهران: نشر جهان.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۴. بلاغی، سید عبدالحجت، (۱۳۸۶ق)، *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، قم: انتشارات حکمت.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، *سرچشمه اندیشه*، قم: نشر اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، *رحیق مختوم*، قم: نشر اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (بی تا)، *سروش هدایت*، قم: نشر اسراء.
۸. حسکانی، عبید الله بن احمد، (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۹. خسروی حسینی، سید غلامرضا، (۱۳۷۵)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۰. راوندی، قطب الدین سعید، (۱۴۰۷ق)، *الدعوات: سلوة الحزین*، قم: نشر مدرسه امام مهدی(ع).
۱۱. شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، *جامع الأخبار (لشعیری)*، نجف: مطبعة حیدریه.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر المیزان*، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۴. فراهیدی خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
۱۵. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامية.





۱۶. کفعمی، ابراهیم بن علی، (۱۴۱۸ق)، البلد الأمين و الدرع الحصین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۱۸. گروه مترجمان، (۱۳۷۷)، تفسیر هدايت، مشهد: بنياد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۹. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۲۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۸)، سر الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۲. مهیار، رضا، (۱۳۸۹)، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، تهران: نشر دانشیار.